



# فرهنگ‌نامه یا مجموعه مقالات؟

○ مهدی یوسفی

تکلیف نقد ادبی کودک و نوجوان، روشن خواهد بود. در این نوشته، ابتدا به مقالات کتاب نظری خواهیم انداخت و سپس اعتبار این مرجع را خواهیم سنجید.

## ۳۶ مقاله

لااقل برای کسانی که این مجله را می‌خوانند، نام اغلب نویسندگان مقاله‌های کتاب آشناست و توضیح نقد و شیوه‌های نقادی آن‌ها بی‌فایده. دیگر نویسندگان کتاب نیز هر یک به نوعی، در این مقالات، به وسیله ضعف‌ها یا قوت‌های خود از دیگران متمایز شده‌اند. در کل، نویسندگان کتاب را عذرا جوزدانی، بزرگمهر شرف‌الدین نوری، حسین شیخ‌الاسلامی، سجاد صاحبان زند، معصومه عطیف، حدیث لزر غلامی، شهره کاندی، فاطمه مهری، آیدا امیرشاهی و مهدیه نظری تشکیل می‌دهند. این گروه، در نقدهای خود، تقریباً به همه جنبه‌های نقد ادبی قرن بیستم پرداخته‌اند؛ از نقد فرهنگستانی (به معنای بارتی) خانم عطیف تا نقد معناشناسانه و پساساختگرای آقای شیخ‌الاسلامی، هر چند تمامی این نقدها سرانجام، در کلاسیسیزم حاکم بر نقد ایران و بی‌هویتی نقد ایرانی، رنگ باخته‌اند.

۴. تحلیل شخصیت گفتنی است که در بعضی مقالات، به ضرورت، بخش‌های میانی حذف شده است.

شخصیت‌های مورد بررسی کتاب عبارتند از:

آلیس، آن شرلی، احمد (از کتاب سختون)، استنلی (آخرین گودال)، الدوز، الیور توئیست، امیل (و کارآگاهان)، ایوانوشکا و آلیونوشکا، پونل، پی‌پی جوراب بلند، پینوکیو، تن‌تن، جلال (کوه مرا صدا زد)، جودی ابوت، هیرو (استاد خیمه‌شب‌بازی)، جیسی (برده‌رقصان) جیم (جزیره گنج)، روبرتا، زهزه، ساداگو، سندباد، شازده کوچولو، شهربانو، عبدالله (پسر سرکار عبدی)، کارانا (جزیره دلفین‌های آبی)، کیسی (فریاد مرا بشنو)، ماتیلدا، ماه پیشانی، مجید، مومو، میگل (و حالا میگل)، ویل (کوه‌های سفید) هاکلبری فین، هری پاتر، هولدن (ناتور دشت) و یوناس (بخشنده).

با توجه به فضای فرهنگی ایران که به دلیل نبود مجامع آکادمیک قدرتمند، کمبود کتب مرجع و نقص کتب پایه، با بی‌سامانی کم‌نظیری روبه‌روست، شک نیست که این‌گونه کتب، به سرعت مورد توجه قرار خواهد گرفت و نمی‌توان ارزش ذاتی مرجع‌نویسی را نادیده گرفت. در عین حال، اگر این خشت‌های اول کج نهاده شده باشند،

عنوان کتاب: فرهنگ توصیفی شخصیت‌های داستانی نوجوانان (دو جلد)

نویسنده: فریدون عموزاده خلیلی و گروهی از نویسندگان

ناشر: آفتابگردان

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۱

بها: ۷۵۰۰ تومان (دو جلد)

«فرهنگ توصیفی شخصیت‌های داستانی نوجوانان»، کتابی است در دو جلد که به همت انتشارات آفتابگردان، به چاپ رسیده است. نگارش این کتاب، توسط تیمی از منتقدان ادبیات کودک و زیر نظر فریدون عموزاده خلیلی، در سال ۱۳۸۱ انجام شده است. در این کتاب ۳۶ شخصیت از شخصیت‌های داستانی نوجوانان انتخاب و در چهار بخش بررسی شده‌اند:

۱. خلاصه داستان

۲. زندگی نویسنده

۳. چشم‌انداز (آثار سینمایی، کارتون و ... که

براساس این شخصیت ساخته شده‌اند)



گمان نمی‌کنم  
بتوانیم کتاب ناتوردشت را  
جزو آثار نوجوانان و  
در رده‌های سنی نوجوان  
جای بدهیم؛  
کتابی که از آثار مهم  
دوره پست‌مدرن  
ادبیات امریکایی است و  
خواندن آن برای نوجوانان  
مشکل به نظر می‌رسد



هنگام صحبت از نقدهای این کتاب، نگاهمان به بخش پایانی هر مقاله خواهد بود؛ زیرا بدیهی است که سه بخش ابتدایی، در این قسمت چندان قابل بررسی نیستند، جز در مواردی خاص. اولین و در واقع مهم‌ترین سؤال این است: آیا در تمام این مقالات، آنچه بررسی شده است، شخصیت است؟ از این نظر باید گفت که مقالات این کتاب، به سه بخش اصلی تقسیم می‌شوند. بخشی از این مقالات، به طور کل توجه خود را معطوف به شخصیت کرده‌اند، مانند مقاله «آن شرلی، دختر دره رنگین‌کمان»، نوشته معصومه عطیف و یا «ماتیلدا، دختری با نیروهای پنهان»، نوشته عدرا جوزدانی. این مقالات با پیروی ناقصی از سیستم نقد کلاسیک و فرار از مسئولیت منتقد مدرن، هر چند توانسته‌اند تا حدودی از پس بررسی شخصیت‌های مورد نظر برآیند، سرانجام با فروگذاشتن خلاقیت و تیزبینی، مقاله خود را از سوبه‌های انتقادی خالی و آن را به معرفی بی‌رویی از شخصیت برای ناآشنایان به کتاب مورد بحث در مقاله، بدل کرده‌اند (وگرنه بدیهی است که این بازگویی اجمالی که به سطح تحلیل منتقدانه نزدیک نشده است، برای خواننده‌ای که شخصیت را بشناسد، مفید نخواهد بود). این کار در فرهنگی که با انتخاب تنها ۳۶ شخصیت، بوضوح خود را از حوزه دائرةالمعارف‌ها خارج کرده و پا به حوزه نقد گذاشته است، چندان مناسب به نظر نمی‌رسد. دسته دوم شامل مقالاتی است از قبیل «هری پاتر، آخرین اسطوره جهان غرب» نوشته حسین شیخ‌الاسلامی و یا «بینوکیو، خسته از آدمک چوبی بودن»، نوشته بزرگمهر شرف‌الدین نوری. این مقالات فارغ از بررسی شخصیت، در فضای پویایی به نقد کتب برخاسته‌اند و علی‌رغم کاربرد نظریات جدید نقد (بگوییم نقد تأویلی تا ربط

این مقالات با فلسفه یا جامعه‌شناسی ضعف به حساب نیاید). قابل ستایش‌اند. با وجود این، این مقالات نتوانسته‌اند از پس وظیفه تحلیل شخصیت برآیند. دسته سوم شامل مقالاتی دیگر است که بینابین دو دسته اول و دوم قرار می‌گیرند و علی‌رغم تلاش برای بررسی شخصیت، به شیوه‌های جدید نقد نیز نظر داشته‌اند. مقاله «آلیس، مسافر سرزمین خیال و رویا»، اولین مقاله کتاب، از این دسته است. این مقاله نیز گرچه تلاش دارد از هر لحاظ مقاله‌ای مناسب باشد، باز در ضعف‌های مقالات دیگر فرو می‌رود. در کل، گزاره‌های این مقاله را باید به دو بخش تقسیم کرد: بخش بررسی کلاسیک شخصیت و بخش دیگر بررسی مدرن داستان (و نه شخصیت) که کنار هم چیدن آن‌ها تنها دو نتیجه داشته است: اول این که این قید تصنعی، فقط ذهن خواننده را گمراه می‌کند و دیگر این که پاراگراف پایانی مقاله، در واقع گریز منتقد از قید و گم شدن او در عرصه‌های مختلف نقد است؛ گریزی عصبی که حاصل درگیری درونی منتقد است. نتیجه دوم، تناقض گویی‌های منتقد است؛ از کنار هم نشان دادن دیدگاه‌های مارکسیستی و فرویدیستی تا کنار هم چیدن نقل قول‌های کلاسیسیستی و نظریات امپسون که بزرگ‌ترین منتقد این نوع نقل قول‌هاست و گذشته از این‌ها صغری کبری کردن با گزاره‌های پوزیتیویستی امپسون و رسیدن به نتایج پساساخت‌گرایانه ژاک دریدا.

چدا از این سه دسته اصلی، آنچه در نظر اول به چشم می‌آید، مقالات سجاد و صاحبان زند است. با نزدیک شدن به این مقالات نیز به وضوح می‌بینیم که مقالات، تهی از هر گونه وجهه منتقدانه، تنها با کش و قوس دادن به مسائل بدیهی و ترسیم نمودارهایی گنگ و بی‌قدرت،

سعی دارند با استفاده از مبانی داستان‌نویسی کلاسیک، به تحلیل شخصیت بپردازند. در میان مقاله‌های این کتاب «شهربانو، دختر صحرا»، نوشته خانم شهره کاندی مقاله‌ای است در خور توجه. این مقاله علاوه بر این که از خط مشی اصلی کتاب دور نمی‌شود، خود را نیز در فضای خلاقانه نقد نو قرار می‌دهد و با نگرش‌های فمینیستی، به بررسی شهربانو، شخصیت کتاب سوزان فیشر استیپلس می‌پردازد. گرچه کاندی در این بخش نقد خود، به نکته عجیبی اشاره نمی‌کند، در بخش بعدی تحلیل نیز به وضوح هوشیاری و ذهنیت مدرن خود را نشان می‌دهد؛ ذهنیتی که با طرح‌ریزی نکات غریب، اما شبیه هم و کلاسه شده تحت تأثیر فوکو، در پی تکرار شیوه اثباتی فوکو برای رنگ دادن به موضوعات بدیهی نیست و در شاخه به شاخه شدن‌های خود، در موضوعاتی گرفتار نمی‌شود که در سی سال اخیر طرح و استفاده و کلاسیک شده‌اند. این مقاله، به خوبی با حفظ فاصله خود با نقد عقب مانده متکی به نظریات پیش از میلاد فرهنگستانی، به صورتی واضح به بررسی شخصیت می‌پردازد و در عین حال خاصیت سودمندی، مرجعیت و اعتبار خود را نیز حفظ می‌کند.

به هر حال، این کتاب متشکل است از ۳۶ مقاله که از همان لحظه اول، مؤلف خود را به رخ می‌کشند و این مسئله برای کتابی با عنوان «فرهنگ...» حسن به حساب نخواهد آمد.

با تمام این اوصاف، شکی نیست که نقدهای دسته دوم و سوم کتاب نیز در کشور ما غنیمت‌اند. باید گفت که همین نقدها در مقایسه با نقدهای دیگری که در کشور به چاپ می‌رسند، ارزش خود را به رخ خواهند کشید؛ در برابر نقدهای بی‌مایه و بدون خلاقیتی که هر روز در نشریات مختلف

شخصیت‌هایی که در کتاب نیامده‌اند، لاقل از استنلی لوفیس سکر، جیسی پائولو ماکس و یا کیسی میلدر تیلور، شناخته شده‌ترند.

بحث‌های سرپرست تیم منتقدان، آقای عموزاده خلیلی، در مقدمه کتاب، گرچه در پی توجیه انتخاب این شخصیت‌هاست، عاقبت جوابی قابل قبول برای این انتخاب نیست و بدیهی است که در فرهنگی این چنین، اولین نکته در انتخاب شخصیت‌ها، باید میزان شهرت آن‌ها باشد.

نکته دیگر، انتخاب شخصیت‌هایی مانند هولدن سلینجر است. گمان نمی‌کنم بتوانیم کتاب ناتوردشت را جزو آثار نوجوانان و در رده‌های سنی نوجوان جای بدهیم؛ کتابی که از آثار مهم دوره پست‌مدرن ادبیات امریکایی است و خواندن آن برای نوجوانان مشکل به نظر می‌رسد. البته در مقدمه کتاب، عنوان شده است که در انتخاب شخصیت‌ها، نوجوان بودن شخصیت، به عنوان یکی از ملاک‌ها مورد استفاده قرار گرفته است، اما علی‌رغم توجیحات پیشگفتار، نمی‌توانیم قانع شویم که هولدن می‌تواند جایی در این فرهنگ محدود داشته باشد و یا لاقل نمی‌توانیم بپذیریم که در صورت حضور هولدن، استیون ددالوس جویس (چهره هنرمند در جوانی) و یا راوی پروست (در ۲ جلد اول، در جست و جوی زمان از دست رفته)، در این مجموعه حضور نداشته باشند. آیا با همان ملاکی که هولدن انتخاب شده است، این دو شخصیت نمی‌توانستند در کتاب جای داشته باشند؟

مشکل دیگر در انتخاب

شخصیت‌هایی مانند سندباد یا ماه‌پیشانی است. گذشته از این که سندباد، اسطوره بزرگ شرقی، پیرمردی است که از زندگی خود سخن می‌گوید و مخاطب این روایات نیز نوجوانان نیستند، معرفی نکردن کتابی به عنوان مرجع تحلیل شخصیت سندباد، ما را در گستردگی این نام گم کرده است؛ شخصیتی که پهلو به پهلو سیلوس، یوسف، ابراهیم و... می‌زند و از سندبادنامه‌ها و هزار و یک شب گذشته است، آن قدر گسترده هست که نتوان بدون انتخاب یک یا چند مرجع، از شخصیت او سخن گفت. در واقع در انتخاب این شخصیت، باید انتخاب مرجع نیز صورت می‌گرفته که این سهل انگاری،

انتخاب شخصیت را خدشه‌دار کرده است.

می‌دانم که به‌بخشی از این انتقادات، در پیشگفتار آقای عموزاده خلیلی پاسخ داده شده است، اما حقیقت این جاست که پاسخ‌ها به راستی قانع‌کننده نیستند و تنها می‌توانیم بگوییم که این اثر نیز مانند دیگر پروژه‌های فرهنگی که در ایران



با انتشار این کتاب باید منتظر گام‌های بعدی  
در راستای پی‌ریزی نقد و بررسی در حیطه  
ادبیات کودک باشیم؛ پایه‌هایی که انشاءالله  
محکم‌تر و بی‌نقص‌تر خواهد بود و  
چاره‌ای برای وضعیت آشفته نقد.  
شاید فقط زمان، این وضعیت آشفته را  
به سامانی درخور برساند

ضعف عمده را می‌توان ملاحظه کرد. اولین مسئله، نبودن شخصیت‌های آشنایی چون هایدی، ساره، حسن کچل، لافکادیو، دختر کبریت‌فروش، سیندرلا و... است. درست است که محدودیت اصلی این کتاب، جبر انتخاب تنها ۳۶ شخصیت از میان دنیای شلوغ شخصیت‌های داستانی نوجوان است، اما خوانندگان تصدیق خواهند کرد که

می‌خوانیم. نکته‌ای که در این جا به موضع ما شکل بخشیده، نام کتاب است: «فرهنگ توصیفی...» که باعث می‌شود این مقالات در چارچوب نام کتاب، ارزش خود را از دست بدهند.

اما به سؤال اصلی مقاله می‌رسیم: آیا این کتاب توانسته است حق نام خود را ادا کند؟ و آیا این فرهنگ اعتبار لازم برای تبدیل شدن به کتاب مرجعی واقعی را دارد؟ کتاب مرجعی، سودمند، معتبر و کامل؟

#### مرجعیت

آن چه در ابتدا توجه مخاطب را جلب می‌کند، انتخاب شخصیت‌هاست. در این انتخاب، سه



دوچندان کرده است. هم‌چنین، انتخاب شخصیت‌ها از میان آثاری که به فارسی ترجمه شده‌اند، باعث شده‌است تا کارآمدی این مرجع، خدشه نپذیرد.

به هر حال، با انتشار این کتاب باید منتظر گام‌های بعدی در راستای بی‌ریزی نقد و بررسی در حیطه ادبیات کودک باشیم؛ پایه‌هایی که انشاءالله محکم‌تر و بی‌نقص‌تر خواهد بود و چاره‌ای برای وضعیت آشفته نقد. شاید فقط زمان، این وضعیت آشفته را به سامانی درخور برساند. این اثر، هرچند گه‌گاه از یک مرجع معتبر به یک مجموعه نقد قابل توجه بدل شده، لاقلاً به این زمان شتاب بخشیده است. حالا اگر شما کتاب را بخوانید، حتماً خواهید توانست بعضی وقت‌ها فراموش کنید که نام کتاب، چیست!

انجام می‌شود، به دلیل نبودن فضای مناسب، ناچار پایانی دارد که به هیچ‌وجه ادامه منطقی آغاز آن نیست. در عین حال، نمی‌توان در جو نامناسب فرهنگی، در دفاع از کتابی سخن گفت که مسئولیت عظیم فرهنگ‌سازی را متقبل شده است. به هر حال، آنچه ما را به نقطه مشترکی با نویسندگان کتاب خواهد رساند، باز کردن صفحه ۱۳ جلد اول کتاب و خواندن دو پاراگراف پایانی پیشگفتار آقای عموزاده خلیلی است:

«فرهنگ جامع و کامل شخصیت‌های داستانی نوجوان، کاری سترگ، ماندگار و مؤثر است که به توشه پر و پیمانی از نیروها، انگیزه‌ها، زمان، امکانات، دستمایه و سرمایه نیاز دارد. کاری که اگر توسط یک مؤسسه پژوهشی کارآمد انجام گیرد، سال‌ها زمان خواهد برد، اما بدون شک، آثار ماندگار خود را در ادبیات داستانی ما به جا خواهد گذاشت. چنین فرهنگی هزارها مدخل، گفتار و مقاله خواهد داشت و هزاران شخصیت داستانی در آن معرفی خواهد شد.»

«از این رو، فرهنگی که پیش رو دارید، فقط می‌تواند پیش درآمدی باشد بر چنان فرهنگی؛ شاید فقط یک نقطه آغاز، تنها تلنگری برای طرح مسئله. همان‌گونه که گفته شد این فرهنگ، پیشتر در پی برانگیزندگی و طرح مسئله فراموش شده‌ای است به نام «شخصیت» در داستان‌های نوجوانان، برای تلنگر زدن به ذهن نویسندگان و آفرینندگان داستان در وهله نخست و آشنایی بیشتر پژوهشگران، مربیان و خود نوجوانان علاقه‌مند در وهله بعد.»

و حالا کسانی که برای تدوین این فرهنگ زحمت کشیده‌اند نیز به ما حق خواهند داد اگر سعی‌مان را بیشتر بر پایه نشان دادن ضعف‌ها گذاشته‌ایم و از یاد نخواهیم برد که:

این فرهنگ از نظر معرفی شخصیت، نویسنده و تأثیر و تأثر کتاب

مورد بررسی، منبع جامعی است. خلاصه داستان اگرچه در مواردی (علی‌الخصوص کتب قطور)، خسته‌کننده شده و ظرافت‌های جذب مخاطب در آن به کار نرفته است، در کل از جامعیت قابل قبولی در اکثر مقالات برخوردار است. در معرفی نویسنده، با استفاده از منابع خوبی که مؤلفان در دست داشته‌اند، زندگی نویسنده، مورد بررسی دقیقی قرار گرفته است که جز در مواردی نادر (که نویسنده مقاله ترجیح داده است فرهنگ‌نویسی را به سبب نداشتن خلاقیت، بی‌ارج بردارد!) نویسندگان کتاب، به خوبی از پس تشریح شخصیت و زندگی نویسنده برآمده‌اند. در بخش چشم‌انداز نیز ذکر

این اثر نیز مانند دیگر پروژه‌های فرهنگی که در ایران انجام می‌شود، به دلیل نبودن فضای مناسب، ناچار پایانی دارد که به هیچ‌وجه ادامه منطقی آغاز آن نیست. در عین حال، نمی‌توان در جو نامناسب فرهنگی، در دفاع از کتابی سخن گفت که مسئولیت عظیم فرهنگ‌سازی را متقبل شده است

موفقیت‌های کتاب‌ها، تأثیر آن‌ها بر زندگی کودکان و تأثیر بر ساخت کالاهای مربوط به کودکان (به عنوان مثال، میز و صندلی لیوان و یا... با نقش هری پاتر) مورد توجه قرار گرفته که می‌تواند نشانگر تأثیرگذاری کتاب در جامعه جهانی باشد. نیز اقتباس‌ها و بازخوانی‌هایی که از این آثار صورت گرفته است، به دقت معرفی شده‌اند. اما در کنار تمامی این بخش‌ها، آنچه این فرهنگ را قدرتمند کرده است، معرفی سایت‌های مربوط به شخصیت مورد بررسی است. استفاده از این تمهید، برای بازگذاشتن دست مخاطب در تحقیق روی یک شخصیت که در آن از ابزار اطلاعاتی نوین اینترنت نیز استفاده شده، قابلیت این کتاب را